

سالنامہ ۱۲۵۵ تا ۱۲۵۶ ویش... شوال سنہ ۱۲۹۳ ذی الحج الاول سنہ ۱۳۹۳ ذی

روزنامہ خاطر اناصر الدین شاہ



انتشارات پرنٹ

پستہ
السنہ بایرام اده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه

● ویراستار: الناز بایرام‌زاده ● ویراستار علمی: افشین داورپناه

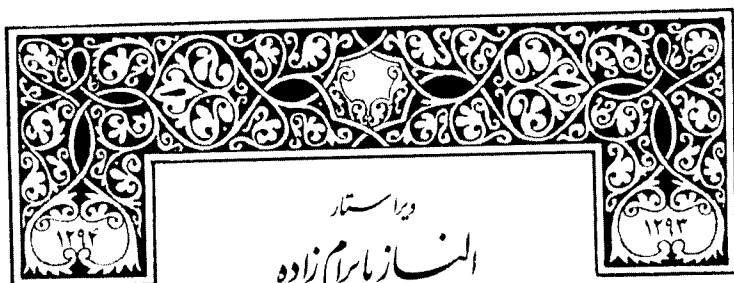


انتشارات پرند

مدیر هنری و طراح گرافیک: سعیدصادق ● مدیر اجرایی: سیدامین سقراطی ● خوشنویس: مهسا رحمانی
زمستان ۱۳۹۹. چاپ اول ● تیراژ: ۳۰۰ نسخه ● چاپ: سورنا ● بخش: ققنوس ● قیمت:
۸۵۰۰۰ تومان ● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۵۵-۵۲-۸ ● جستارهای تاریخی-۷ حق چاپ محفوظ است ©

● سرشناسه: ناصرالدین شاه قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق. ۱۸۵۶-۱۸۳۱ Nasir al-din shah, shah of Iran ● عنوان و نام پدیدآور: روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه: سال‌های ۱۲۵۵ شمسی شوال سنه ۱۲۹۳ هـ. ق. الی ربیع‌الاول سنه ۱۲۹۴ هـ. ق. ● ویراستار: الهام بایرام‌زاده/ ویراستار علمی: افشین داورپناه ● مشخصات نشر: تهران: انتشارات پرند، ۱۳۹۹. ● مشخصات ظاهری: ۳۶۰ ص؛ مصور، عکس: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م. ● شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۵۵-۵۲-۸ ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا ● یادداشت: کتابنامه: ص ۲۰۵-۳۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس. ● موضوع: ناصرالدین قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق. -- خاطرات ● موضوع: ناصرالدین قاجار، شاه ایران، ۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق. -- سفرها ● موضوع: ایران-- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. ● موضوع: Iran -- History -- Qajars, 1779-1925 ● شناسه افزوده: بایرام‌زاده، الناز، ۱۳۶۶-، ویراستار ● شناسه افزوده: داورپناه، افشین، ۱۳۵۵-، ویراستار ● رده‌بندی کنگره: DSR۱۳۶۹ ● رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۴۵۰۹۲ ● شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۳۸۷۸۲

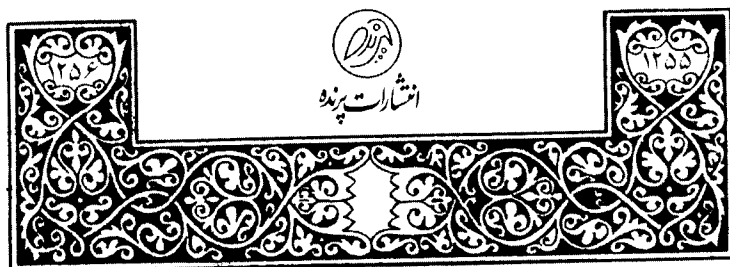
● نشانی: تهران. خیابان آیت‌الله طالقانی. خیابان برادران شهید مظفر شمالی. بن‌بست کیا. پلاک ۷. واحد ۲. ● تلفن: ۸۸۹۱۰۳۸۱-۰۲۱ ● وبسایت: www.parandepub.ir. ایمیل: info@parandepub.ir



روزنامه خاطر اناصر الدین شاه

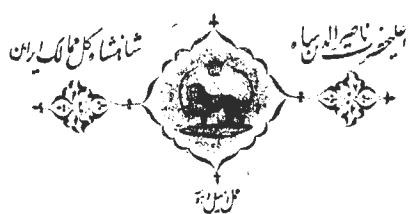
سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۶ و.ش
شوال سنه ۱۲۹۳ و.ق الی ربیع الاول سنه ۱۲۹۴ و.ق

ویراستار علمی
افشین داورپناه





NASSIR-UD-DIN. — SEAH DE PERSIE.





مقدمه ویراستار

ناصرالدین شاه قاجار که چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه بود، ششم ماه صفر سال ۱۲۴۷ ه. ق (۲۵ تیر ۱۲۱۰ ه. ش) در قریه کهنمودر حوالی تبریز به دنیا آمد. پدرش محمدشاه قاجار و مادرش «ملک جهان خانم مهدعلیا»، از زنان مقتدر دربار قاجاریه بود. او پس از درگذشت پدرش بر اثر بیماری نقرس در قصر محمدیه، در حوالی باغ فردوس، در سال ۱۲۶۴ ه. ق به تخت شاهی نشست و تا هفده ذی القعدة سنه ۱۳۱۳ ه. ق (۱۲ اردیبهشت ۱۲۷۵ ه. ش) سلطنت کرد و بالاخره چند روز قبل از برگزاری جشن پنجاهمین سال سلطنتش، در حرم شاه عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه توسط «میرزا رضا کرمانی» ترور شد. سلطان صاحبقران به دلیل ترورش در حرم شاه عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه «شاه شهید» نامیده شد.

ناصرالدین شاه کتاب دوست، هنرشناس، نسخه دوست و نیز علاقمند به نقاشی و البته خاطره نویسی است؛ خاطراتش هر کدام دنیایی است از چطور و چگونه بودن ها و توصیف های دقیق درباره همه کس و همه چیز. شور نوشتن در او، ریشه دارتر بود و همین باعث شد تا از حاصل نوشته های او روزنامه های متعدد خاطرات روزانه،

شکاریه، سفرنگاری‌های فرنگستان و جاده‌های پرپیچ‌وخم ایران و بین‌النهرین شکل بگیرد. پژوهش درباره این روزنامه‌ها، خود تاریخ مفصلی دارد. پژوهش درباره این روزنامه‌ها خود تاریخ مفصلی دارد. این روزنامه‌ها بدون ترتیب وقایع به همان شکل اصلی خود منتشر شده است. یکی از نکات حائز اهمیت این است که ناصرالدین شاه در این روزنامه خاطرات، بسیار کم به وقایع سیاسی مملکت پرداخته و آن‌ها را در دفترچه‌هایی مجزا و گاه به صورت رمزی نگاشته است. ناصرالدین شاه در دوران پنجاه ساله سلطنتش ایران را در بسیاری از جهات روبه جلو حرکت داد. زمان سلطنت او دوران نخستین‌ها بود. او پادشاهی خاطره‌نویس، شاعر، نقاش، خطاط، عکاس و شکارچی بود.

یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه، نوشتاری ساده و بی‌تکلف و به دور از هرگونه الفاظ پرطمطراقی است که درباریان و زنان حرم‌خانه در نامه‌نگاری با شاه بدان استناد می‌کردند.

در بسیاری از خطوط خاطرات، ناصرالدین شاه خود را با لفظ «ما» خطاب کرده است. در این روزنامه‌ها، شاه اطرافیانش را با همان لفظی که خود بکار می‌برد یاد کرده است؛ مثل: چُرَقی، دُلْچه، خرچه، جوجه، باشی و....

کتاب «روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه» حاصل استنساخ بخشی از روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه به قطع رحلی بزرگ از صفحه ۵ الی صفحه ۱۹۴ است که اصل آن در بخش اسناد خطی سازمان اسناد ملی ایران با شماره ۷۲۳۲-۲۹۵ در بخش آلبوم بیوتات، بایگانی شده است.

این روزنامه مربوط به خاطرات از شوال سنه ۱۲۹۳ هـ. ق^۱ تا ربیع الاول سال ۱۲۹۴ هـ. ق است و دربردارنده برخی مطالب در خور تحقیق و پژوهش؛ از جمله جشن صدساله سلطنت قاجار، جنگ روس و عثمانی - که به شکست عثمانی انجامید - و عجا که شاه در این ایام حساس جنگ، به شرح وقایع هر روز زندگی روزمره اش، با ذکر جزئیات، پرداخته است؛ ایامی که در دارالخلافه الباهره طهران در عمارت ارگ سلطنتی گلستان، یا به دید و بازدیدخانه در خانه رجال، مهمانی های اعیانی و گاه در بیلاقات اطراف طهران به شکار می گذشته است!

شیوه تصحیح

در شیوه تصحیح و بازنویسی این متن که به خط ناصرالدین شاه قاجار است، به اصل متن وفادار مانده ایم و تنها بخشی از رسم الخط را که با رسم الخط امروزی متفاوت است، به شیوه امروزی بازنویسی کرده ایم؛

- برای مثال؛ واژه هایی مانند برخاستم، خابیدم، خاندم که به رسم الخط امروزی برخواستم، خوایدم و خواندم تحریر شده است.
- واژه هایی چون خانها، عینها که به صورت خانه های، عین ها بازنویسی شده است.

- واژه هایی چون بجز، بجای، بخانه، بخاطر، بخاندن، جدا و به صورت به جز، به جای، به خانه، به خاطر، به خواندن، تصحیح و بازنویسی شده است.

۱. یعنی زمانی که ناصرالدین شاه چهل و پنج سال داشت.

متن اصلی نه به شیوه‌ای ادیبانه و رسمی بلکه به شکلی راحت و بی‌تکلف نوشته شده است؛ گویی شاه همان‌جوری می‌نوشته که حرف می‌زده است. از سوی دیگر، در نوشته‌های آن زمان از نشانه‌های سجاوندی، از قبیل: نقطه، خط تیر، علامت سوال، علامت تعجب، ویرگول، نقطه‌ویرگول و مانند این‌ها استفاده نمی‌شده و در متن اصلی خاطرات ناصری نیز، چنین نشانه‌های وجود نداشته است. همین ویژگی‌ها، خواندن این متن را در برخی جاها، به‌ویژه برای مخاطب امروزی کمی دشوار کرده است. بنابراین خواننده امروزی گاه باید یک پاراگراف را چندبار بخواند تا متوجه شود جمله کجا تمام شده و جمله جدید کجا شروع شده است، در کجای نوشته باید مکث کرد و ...؛ با این توصیفات، ویراستار کوشیده است فقط در موارد ضروری که خواندن متن را برای مخاطب امروزی آسان‌تر می‌کند، از نشانه‌های سجاوندی (، ، ؛ ، () « » و ...) استفاده کند^۱.

- اسامی و اصطلاحات در چند مورد در گیومه «» قرار گرفته است:

الف. عموم اسامی و اصطلاحات ویژه و قابل توجه، برای بار اول؛

ب. برخی از اسامی و اصطلاحات برای راحت‌تر خوانده شدن متن، به‌طور مکرر در گیومه آورده شده است؛

ج. برخی از اسامی و اصطلاحات نیز برای جلب توجه مخاطب درون گیومه قرار گرفته است.

- در نسخه اصلی، املاي برخی کلمات اشتباه نوشته شده است؛ برای مثال، جعده، زرع، رزالت، کسيف، طولہ، خاندنہ، حرزگی که

املائی صحیح آن‌ها به این صورت تصحیح شده است: جاده، ذرع، رذالت، کثیف، توله، خواننده، هرزگی. در این گونه موارد، بعضی را به همان رسم الخط اصلی و در بعضی موارد، اصلاح شده آن در زیرنویس متن آورده شده است.

- در بعضی موارد، جملات ناقص است و برای تکمیل آن حرف یا حروفی اضافه شده که مصحح آن‌ها را داخل چنگک [] قرار داده است.

- در بعضی موارد ناصرالدین شاه از الفاظ ركيك استفاده کرده است که به اصل متن وفادار مانده ایم.

- برخی توضیحات که توسط ویراستار علمی کار. افشین داورپناه انجام و به متن مصحح افزوده شده با عنوان (ویراستار) مشخص شده است.

- ناصرالدین شاه با هرزنی که هم‌بستر شده نام او را در ابتدا و انتهای خاطرات آن روز با حروف لاتین و به اختصار تحریر کرده است؛ در این موارد، اسم فارسی زنان در داخل چنگک قرار داده شده است.

- نظربه این که ناصرالدین شاه، اشخاص را با اسم كوچك یا لقبی که خودش داده بود، خطاب می‌کرده و یا بعضی اشخاص را تنها به ذکر لقب شان اکتفا می‌کرده، برای آگاهی خوانندگان و پژوهشگران، اسم کامل آن اشخاص با خلاصه‌ای از شرح حال آن‌ها به صورت زیرنویس آورده شده است. در شناسائی بعضی از این اشخاص و ابنیه و اماکن جغرافیایی از خود روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه استفاده شده است.

امیدوارم این کتاب مورد استفاده خوانندگان، اعم از پژوهشگران،

علاقه‌مندان به مطالعه تاریخ و جویندگان راه حقیقت قرار گیرد.

روزنامه خاطر انصار الدین شاہ



خاطر است سال ۱۲۹۳ دبیق ۱۳۵۵ ش

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين
الحمد لله تعالى روزنامه کتابچه سنه ۹۲ [۱۲] «تنگوزئیل»^۱ که دست گرفته، نوشته بودم الی ۶ ماهه ثانی سنه ۹۳ [۱۲] «سیچقان ئیل»^۲ که یک سال تمام است در آخر شهر رمضان المبارک همان سنه به اتمام رسید و شرح رمضان را هم در همان کتابچه سابق نوشته ام. لهذا این کتابچه ثانی ۶ ماهه آخر سیچقان ئیل سنه ۹۳ [۱۲] را دست گرفته در غره^۳ شوال المکرم می نویسم.

روز جمعه غره شوال [سنه ۱۲۹۳]
روز جمعه غره شوال که عید رمضان بود، صبح سه ساعت از دسته گذشته از خواب برخاستم. در کلاه فرنگی نگارستان^۴ دیشب کشیک enis [انیس الدوله]^۵ بود. رفتم حمام بلغاری بیرون باغ که دم منزل قزاشباشی در این ماه زده بودند. امین السلطنه^۶ بود. دیشب چون از عادت افتاده بودم کم خوابیدم. حمام رفته،

۱. تنگوزئیل: سال ایغوری، سال خوک، نام سال دوازدهم از دوره ی دوازده ساله ی ترکی. (لغت نامه دهخدا)

۲. سیچقان ئیل: سال ایغوری، سال موش، نام سال دوازدهم از دوره ی دوازده ساله ی ترکی. (لغت نامه دهخدا)

۳. روز اول ماه قمری (فرهنگ عمید)

۴. باغ نگارستان در سنه ۱۲۲۲ ه. ق به دستور فتحعلی شاه قاجار به عنوان اقامتگاه تابستانی ساخته شده بود. عمارت نگارستان در شمال میدانی بود به همین نام و در محلات تازه ساز شهر واقع شده بود. مدخل باغ که بنای نگارستان در داخل آن بود در بزرگی بود که بالاخانه وسیعی بر بالای آن ساخته بودند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸؛ ۶۷۷) و (فورویه، ۱۳۸۵؛ ۱۲۹-۱۴۸)

۵. انیس الدوله: فاطمه خانم امامه ای ملقب به انیس الدوله و حضرت قدسیه همسر صیغه ای ناصرالدین شاه قاجار و اهل امامه بود. وی اندکی پس از ناصرالدین شاه قاجار بدون اولاد درگذشت. (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۹؛ ۱۱۵) و (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸؛ ج ۲؛ ۳۴۹) (لسان الملک سپهر، ۱۳۹۲؛ ۱۱۶)

۶. حاج محمدعلی خان امین السلطنه ابتدا غلام بچه و سپس رئیس صندوق خانه بود و در سه سفر ناصرالدین شاه به فرنگ ملتزم رکاب بود. بعدها وزیر بقایا شد. وی داماد آقا ابراهیم امین السلطان بود. در سنه ۱۲۸۸ ه. ق ملقب به امین السلطنه شد و در سنه ۱۳۴۰ ه. ق در حدود نود سالگی در تهران درگذشت و در مقبره اتابک در قم مدفون شد. (بامداد، ۱۳۶۳؛ ج ۳؛ ۴۱۹، ۴۱۵)

رخت پوشیده، سوار کالسکه شدم. فوج ۲ تبریزی که مدتی قراول ما بودند، دیروز مرخص شده بودند. فوج بهادران به سرتیپی «شجاع السلطنه»^۱ پسر «محمدخان امیرتومان» مرحوم به قراولی آمده بودند.

رفتم به باغ لاله زار^۲ وارد که شدم چوب‌های دراز بندبازی و کوره بالون^۳ و غیره با بیدق‌های رزل^۴ روی چوب‌ها از حاجی بالونی که رمضان بالون هوا کرد الی این ساعت مانده بود و باید در جای همان چوب‌ها سلام شده، مردم بایستند. بسیار به فزاش باشی و «آقا دانی»^۵ و غیره کج خلق شدم. چوب‌ها و غیره را برداشتند. بعد توی کلاه فرنگی نشستیم. نه‌ار^۶ دیر آوردند. خورده شد اما به عادت یک ماهه اشتیائی نبود و کِسل هم بودم.

۱. محمدباقرخان شجاع السلطنه امیر تومان پسر محمدخان امیر تومان بود. در دوران ناصرالدین شاه قاجار به منصب سرتیپی ازل و لقب شجاع السلطنه ملقب شده بود. ریاست و ابواب جمعی فوج بهادران و فوج ششم اقبال و فوج مخبران شقاقی بر عهده او بود. همچنین قراولی ابواب عمارات سلطنتی و ارک همایونی واردوهای مبارک با او بود. پسرش امیرحسن خان شجاع السلطنه، شوهر تاج السلطنه، دختر ناصرالدین شاه قاجار بود. (روزنامه شرف، نمره ۴۳، رمضان سنه ۱۳۰۳ هـ. ق.)

۲. لاله زار؛ باغ لاله زار باغ بزرگی بوده که محدود می‌شد از طرف مغرب به سمت غربی خیابان لاله زار کنونی و از طرف مشرق به سمت شرقی خیابان سعدی از طرف شمال به چهارراه مخبرالدوله و از طرف جنوب به خیابان اکباتان. ناصرالدین شاه این باغ را به مبلغ نود هزار تومان به کسانی که طالب آن بودند فروخت. حکیم طولوزون به شاه التماس‌ها کرده بود که باغ را نفروشد که سبب لطافت هوای شهر است اما شاه قبول نکرده بود. (بامداد، ۱۳۶۳، ج ۱؛ زیرنویس ص ۶۲) و (مخبر السلطنه هدایت، ۱۳۸۹، ج ۱۱)

۳. چنین تحریر شده است به جای بالن.

۴. چنین تحریر شده است به جای رذل

۵. «مرتضی خان آبدارباشی» معروف به «آقاداتی» و ملقب به «اعتماد حضرت» پسر آقا اسمعیل بود. او چون منسوب امین السلطان اول و دوم بود چند سالی کارمند آبدارخانه شاهی بود و بعد نایب آبدارخانه شد، چون دایی میرزا علی اصغرخان امین السلطان بود و امین السلطان و برادرانش او را آقاداتی خطاب می‌کردند دیگران نیز به آنان تاسی چسته و به آقاداتی شهره گشت. در سنه ۱۳۰۷ هـ. ق. ملقب به «اعتماد حضرت» و در سنه ۱۳۱۰ هـ. ق. خودش به طور مستقل آبدارباشی شاه شد و یک سال بعد تحویلدار اداره صرف جیب مبارک شد و پس از فوت ناصرالدین شاه از همه مشاغلش برکنار شد. (بامداد، ۱۳۶۳، ج ۵؛ صص ۲۸۵، ۲۸۶)

۶. چنین تحریر شده است به جای نه‌ار.

هاشم، حاجی رحیم خان، نظام العلماء، نوری^۱، پیشخدمت‌ها و غیره و غیره همه بودند. بعد از نهار، سپهسالار^۲، حنیف افندی را آورد حضور. افندی بسیار خجل است از حوادث اسلامبول و غیره. بعد از رفتن او سلام شد. «سیاحی»^۳، «باشی»^۴ و غیره و غیره بودند. آقاخان تلخ^۵ و غیره. در سلام همه حاضر بودند. سپهسالار و مستوفی الممالک^۶، شاهزاده‌ها و غیره.

۱. نوری: نورالدین میرزا پسر ۱۲ محمد قلی میرزا ملک آرا پسر فتحعلی شاه قاجار بود. او سیزده سال نایب ناظر دستگاه خوانساری شاه بود و در سنه ۱۲۹۴ ه. ق. نایب الحکومه مازندران شد و تا سنه ۱۲۹۹ ه. ق. در این سمت باقی بود. به همین جهت او را نایب‌الایاله می‌گفتند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸، ۵۹۴)

۲. سپهسالار: میرزا حسین خان سپهسالار فرزند میرزا محمد نبی قزوینی و همسر قمر السلطنه دختر فتحعلی شاه قاجار بود. او مدّت‌ها وزیر مختار ایران در استانبول و سفیر کبیر ایران در استانبول بود. مسجد و مدرسه سپهسالار در میدان بهارستان از زوایا اوست. (آدمیت، ۱۳۹۲، ۱۸۶ و ۱۷۲)

۳. سیاحی: لقب مهدیقلی خان مجدالدوله پسر دانی و داماد ناصرالدین شاه قاجار بود. مهدیقلی خان مجدالدوله پسر عیسی خان والی اعتمادالدوله قاجار قوانلو و پسر دانی ناصرالدین شاه قاجار بود. او ابتدا غلام بچه و سپس پیشخدمت ناصرالدین شاه شد. همچنین میرآخور دربار نیز بود. او در سنه ۱۲۹۹ ه. ق. ملقب به مجدالدوله و با تومان آغا فخرالدوله دختر ناصرالدین شاه و خازن الدوله ازدواج کرد. پس از فوت فخرالدوله دختر نایب السلطنه را به زنی گرفت، مجدالدوله مردی بود ملاک، خیلی متمول در سال ۱۳۱۶ ه. ش. در سن نود و اندی سال در تهران درگذشت و در قم در مقبره محمدشاه قاجار به خاک سپرده شد. (بامداد، ۱۳۶۳، ج ۴، صص ۱۷۸ الی ۱۸۴)

۴. حسن خان: یا «محمد حسن خان باشی» پسر محمدخان افشار سرتپی، وی ابتدا غلام بچه اندرون و سپس پیشخدمت ناصرالدین شاه قاجار شد. وی برادر اکبرخان نایب ناظر، آقاخان نایب و برادر آملی مهدیقلی خان مجدالدوله بود. (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۹، ۳۸)

۵. آقاخان، مشهور به «آقاخان تلخ» پیشخدمت امین‌الصحه، شوهر دده شاه طوطی خانم دده ناصرالدین شاه قاجار و پدر «موجول خان» پیشخدمت خاصه همایونی بود. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸، ۵۴۳) و (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۸، ۳۱)

۶. میرزا یوسف مستوفی الممالک معروف به آقا و جناب آقا پسر میرزا کاظم پسر میرزا محسن آشتیانی بود. پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر دوم فرنگ در سنه ۱۲۹۵ ه. ق. این وظایف به مستوفی الممالک محول گردید از جمله: دفتر استیفاء و محاسبات، گمرک، خزانه، بیوتات دولتی، صندوق خانه، آبدارخانه، کشیکخانه، عمله خلوت، تفنگداران، جارچیان، قاطرخانه، کالسکه خانه، اصطبل خانه، چاپارخانه. مستوفی الممالک از سنه ۱۳۰۱ الی ۱۳۰۳ ه. ق. صدراعظم ناصرالدین شاه قاجار بود. محله‌های حسن آباد، بهجت آباد، یوسف آباد و ونک از مستحدثات و املاک او بوده است وی مردی عاقل و کم حرف بود. وی در سنه ۱۳۰۳ ه. ق. فوت کرد و در آرامگاه خانوادگی اش در اراضی اختصاصی اش در ونک دفن شد. اکنون این آرامگاه داخل دانشگاه الزهرا است. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۸، ۴۰)

مخاطب «مؤیدالدوله»^۱ بود. خطیب نقال خطبه خواند. «سامی»^۲ جفنگی گفت. جبارخان قلیانی آورد.

بعد از سلام صاحب‌منصبان و غیره به حضور آمدند. ناصرالدوله تازه از لرستان آمده بود، دیده شد. بعد جهانگیرخان که برای خرید اسلحه انشاءالله تعالی به فرنگستان می‌رود آمد، مَرخص شد دو سه روزه برود. بعد سرحددار «میان‌کاله»^۳ آمد، مَرخص شد. بعد «ترکمان‌های آخالی»^۴ خلعت پوشیده آمده، مَرخص شدند بروند. سرایدارباشی را امین‌الملک^۵، امین‌السلطان^۶، امین‌السلطنه برده

۱. ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله امیرتومان پسر سلطان مرادمیرزا حسام‌السلطنه بود. او حاکم شهرهای یزد، اصفهان، کردستان، خرمه و گیلان بود. همچنین افسرالدوله دختر ناصرالدین شاه قاجار همسرش بود. (روزنامه شرف، نمره ۵۲، ذیقعدالحرام سنه ۱۳۰۴ ه. ق.)

۲. سام میرزا شمس‌الشعراء: سام میرزا شمس‌الشعراء پسر شانزدهم محمّدقلی میرزا ملک آرا بود که در سنه ۱۲۸۶ ه. ق پس از درگذشت میرزا محمّد علیخان سروش اصفهانی شمس‌الشعراء ملقب به شمس‌الشعراء شد. وظیفه او قصیده خوانی در مجالس سلام عید نوروز و سایر اعیاد بود. او طبع شعر داشت و قصایدی در مدح ناصرالدین شاه سروده بود. در سنه ۱۳۰۹ ه. ق در هفتاد و پنج سالگی در تهران درگذشت. ناصرالدین شاه در بعضی از روزنامه‌های خاطراتش از جمله همین روزنامه، نام او را به اختصار سامی نوشته است. منبع: تعلیقات حسینی محبوبی اردکانی بر المآثر والآثار (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸، ۵۵۸) و (بامداد، ۱۳۶۳، ۳۶۳)

۳. منطقه‌ای در جنوب شرقی دریای خزر

۴. قبایلی از ترکمن‌ها که در منطقه آخال زندگی می‌کردند؛ در حال حاضر بخشی از جمهوری ترکمنستان است. (ویراستار)

۵. میرزا علی اصغرخان دارای القاب صاحب جمع، امین‌الملک، امین‌السلطان و اتابک اعظم بود. او پسر دوم آقا ابراهیم امین‌السلطان بود و پس از فوت پدرش در سنه ۱۳۰۰ ه. ق به امین‌السلطان ملقب شد و تمام مشاغل پدر از جمله بیوتات سلطنتی، انبار غله مرکزی، ضراب‌خانه، وزارت گمرک، خزانه و غیره به او محول گردید. وزارت دربار اعظم، وزارت دارائی و وزارت مالیه از جمله دیگر مشاغل او بود در سنه ۱۳۰۶ ه. ق رسماً صدراعظم ناصرالدین شاه شد و تا سنه ۱۳۱۳ ه. ق در این سمت باقی بود. و در سنه ۱۳۲۵ ه. ق پس از خارج شدن از مجلس شورای ملی به دست شخصی به نام عباس آقا صراف تبریزی ترور شد و پس از نیم ساعت در خانه‌اش در لاله زار فوت کرد و در مقبره‌ای اختصاصی‌اش در قم مدفون شد. د. (بامداد، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۳۸۷ الی ۴۲۵)

۶. آقا محمّد ابراهیم ارباب معروف به امین‌السلطان، وزیر داخله دربار و آبدارباشی و سقاباشی فتحعلی شاه و سپس آبدارباشی ناصرالدین شاه شده بود. از جمله مشاغل وی عبارت بودند از: وزارت دربار، گمرک، خزانه، ریاست اندرونی همایونی، ریاست دؤاب دولتی ضرابخانه، قراولان مخصوص وزارت ابنیه، ریاست صندوق‌خانه مبارکه. وی در تعمیر و نوسازی عمارت اندرونی کاخ گلستان در سنه ۱۲۹۹ الی ۱۳۰۰ ه. ق نقش بسزائی داشت و در راه سفر خراسان در سنه ۱۳۰۰ ه. ق فوت کرد. تمام مشاغل و لقبش به پسرش امین‌الملک رسید. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹، ۳۷۲) و (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲، ۳۰۵)

بودند گوشه باغ تحقیق معدن طلا را بکنند.

خلاصه نماز کرده، قدری خربزه و غیره خورده پیاده رفتم برای در بالا. سپه سالار، مخبرالدوله^۱، اعتضادالدوله^۲، میرشکار و غیره و غیره بودند. میرشکار ناخوش بود. می گفت چند شب پیش گلویم طوری درد آمد که مرده بودم، می گفت «آب غوره یاخچی ایله دی»^۳ دم در میرآخور^۴ و غیره بودند.

دو اسب الله یارخان دره گزی فرستاده بود، آورده بود دیدم. یک اسبش خوب بود رنگ خاکستری، اسب دیگرش کهر بود. کهر را میرشکار خواهش کرد دادم به او. سوار کالسکه شده راندم برای دوشان تپه^۵.

۱. علیقلی خان مخبرالدوله پسر بزرگ رضاقلی خان هدایت بود. پس از افتتاح دارالفنون در سنه ۱۲۶۸ ه. ق. علیقلی خان به نظامت (ناظم) دارالفنون برگزیده شد. در سنه ۱۲۸۶ ه. ق. ملقب به مخبرالدوله گردید در سفر اول و سوم ناصرالدین شاه به فرنگ ملتزم رکاب بود. مدتی را رئیس کتابخانه دارالفنون، وزیر معادن، وزیر علوم و وزیر تلگراف بود. مخبرالدوله در سنه ۱۳۱۵ ه. ق. در سن هفتاد سالگی در تهران درگذشت و در تکیه رضاقلی خان امیر الشعراء واقع در خیابان اسلامبول کنونی نزدیک قبر پدرش بخاک سپرده شد. (بامداد، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۲۵۵ الی ۲۵۹)

۲. میرزا مهدی خان اعتضادالدوله قاجار دؤلو پسر مرحوم میرزا محمدخان قاجار سپهسالار اعظم بود. در سنه ۱۲۷۰ ه. ق. به نیابت کشیکچی باشیگری و خدمات کشیکخانه مبارکه منصوب گردید. ناصرالدین شاه پس از بازگشت از سفر عتبات عالیات به اولقب اعتضادالدوله مرحمت نمود و پس از مدتی وی حاکم قم، ساوه و شاهین بود. در سنه ۱۲۹۵ ه. ق. حاکم قم و کاشان گردید. (روزنامه شرف، نمره ۱۸، جمادی الاخری سنه ۱۳۰۱ ه. ق.)

۳. یک جمله آذری به معنای آب غوره خویش کرده.

۴. امیرآخور: محسن میرزا امیرآخور پسر ارشد عبدالله میرزا متخلص به دارا پسر یازده فتحعلی شاه قاجار و یکی از شاهزادگان فاضل قاجاریه بود. امیرآخور دختر عباس میرزا نایب السلطنه را در حباله نکاح خود داشت در دوران ولایتمهدی ناصرالدین شاه امیرآخور ندیم ولیعهد بود و در دوران سلطنت ناصرالدین شاه از سنه ۱۲۷۱ ه. ق. امیرآخور رئیس اداره ی اصطلح خاصه مبارکه بود و پس از وی شال و منصبش به پسرش محمدحسین میرزا واگذار گردید. امیرآخور مانند پدرش شاعر بود و تخلصش در اشعار سلطانی بود. یکی از تألیفاتش کتاب منشآت است. (بامداد، ۱۳۶۳، ج ۵، صص ۱۸۹، ۱۹۰)

۵. در سنه ۱۲۶۹ ه. ق. در مرتفعات دوشان تپه که به حسن موقع و لطافت هوا شهرتی داشت به فرمان ناصرالدین شاه عمارتی زیبا ساختند و نزهتگاهی ایجاد کردند. دوشان تپه در اطراف تهران و قرق شکار خرگوش بود. دوشان در زبان ترکی به معنی خرگوش است و دوشان تپه به معنی تپه خرگوش. ناصرالدین شاه دستور داده بود در کنار عمارت دوشان تپه، باغ وحشی ساخته بودند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸، ۵۵)

حرم بیشتری نگارستان ماندند. باقی در رکاب هستند از این قرار:
 انیس‌الدوله، شمس‌الدوله^۱، دختر سالار^۲، شیرازی کوچک^۳،
 عایشه^۴، عروس^۵، بلنده^۶، باقری^۷، لیلا^۸، پشندی^۹، فرنگیس^{۱۰}،
 خازن‌الدوله^{۱۱}، تومان آغا^{۱۲}، توران آغا^{۱۳}، عایشه^{۱۴} زاغی^{۱۵}، اصفهانی

۱. بلقیس خانم شمس‌الدوله همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار و دختر احمد میرزا عضدالدوله پسر فتحعلی شاه بود. وی از شاه اولادی نیاورد. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۹۲: ۱۶)

۲. دختری سالار، زینت‌السلطنه همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار، دختر «سالار ملایری» پسر «شیخعلی میرزا» پسر فتحعلی شاه قاجار بود. از او در روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار با نام «دختر سالار» یاد شده است. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۹۲: ۱۶)

۳. شیرازی کوچک: همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، ص ۱۷)

۴. عایشه خانم یوشی همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. وی دختر میرزا محمدخان یوشی و بدون اولاد بود. (همان قبلی، ص ۱۷)

۵. زهرخانم عروس همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، همان صفحه)

۶. بلنده: همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. ناصرالدین‌شاه قاجار دو زن با نام بلنده در حرم‌خانه داشت به نام بالاخانم بلنده، سلطان‌خانم بلنده. (همان منبع قبلی، همان صفحه)

۷. خاور سلطان خانم باقری همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، همان صفحه)

۸. لیلا یوشی: همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. وی دختر میرزا محمدخان یوشی بود. لیلا و عایشه یوشی دو خواهر بودند که هر دو در حباله نکاح ناصرالدین‌شاه بودند. لیلا دختری به نام ایران‌الملوک افتخارالسلطنه داشت. (همان منبع قبلی، همان صفحه)

۹. پشندی: همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، همان صفحه)

۱۰. فرنگیس خانم قروینی: همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، ص ۱۸)

۱۱. خازن‌الدوله همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. وی مادر «تومان آغا» و «توران آغا» بود. شرح فوتش در همین کتاب آورده شده است. (همان منبع، ص ۱۷)

۱۲. «تومان آغا فروغ‌الدوله» دختر ناصرالدین‌شاه و خازن‌الدوله و همسر علی‌خان ظهیرالدوله بود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۹: ۶۶۸)

۱۳. «توران آغا فخرالدوله» دختر ناصرالدین‌شاه و خازن‌الدوله بود که با مهدیقلی‌خان مجدالدوله پسر دایی پدرش ازدواج کرد. فخرالدوله در جوانی به مرض یبل درگذشت. اغلب روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه توسط او کتابت و تحریر شده است. (بامداد، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۳۶۷ الی ۳۶۹)

۱۴. اسم او در متن دو بار تکرار شده است.

۱۵. عالیه خانم زاغی همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۹۲: ۱۷)

کوچک^۱، بدرالسلطنه^۲، نوش آفرین^۳، زهرا سلطان^۴، ملکه^۵، دلبر^۶، کتاب خوان^۷، امین اقدس^۸، «اقل بکه»^۹، سایر کنیزها، مریمی، بلقیس، نمکی، بالا، نصرالله، حاجی ابراهیم، شاهزاده حسین،

۱. اصفهانی کوچک، همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه قاجار بود. (همان قبلی، ص ۱۷)

۲. بدرالسلطنه همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه قاجار و دختر شاهزاده غلام رضا میرزا پسر محمدرضا میرزا متخلص به افسر پسر فتحعلی شاه قاجار بود. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۹۲: ۱۶)

۳. نوش آفرین همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، ص ۱۸)

۴. زهرا سلطان همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، ص ۱۷)

۵. صاحب سلطان خانم مازندرانی که با نام «ملکه» نیز شناخته می‌شد، همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، ص ۱۷)

۶. دلبرخانم بختیاری همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، ص ۱۸)

۷. کتاب خوان همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه قاجار بود. (همان منبع، ص ۱۷)

۸. زبیده خانم امین اقدس گروسی همسر صیغه‌ای و سوگلی ناصرالدین شاه قاجار بود. او اصالتاً اهل گروس و برادرش میرزا محمدخان ملیچک و برادرزاده‌اش غلامعلی خان عزیزالسلطان ملیچک ثانی در دربار ناصرالدین شاه ارج و قرب داشتند به طوری که عزیزالسلطان داماد شاه شد. «امین اقدس» اولین زن از حرم خانه سلطنتی بود که بدون همسر از ایران خارج و برای معالجه و جراحی چشمانش به وین اتریش رفت. امین اقدس در ذی حجه سنه ۱۳۱۱ ه. ق پس از مدت‌ها که کور و فلج شده بود به مرض سکنه بدون اولاد درگذشت. (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ج ۱، صص ۲۳، ۲۷، ۲۸)

۹. «اقل بکه» خانم همسر صیغه‌ای ناصرالدین شاه قاجار بود. وی از طایفه توماز از تیره جعفربای ترکمان و خواهر علی بیگ ترکمان رخت خواب دار ناصرالدین شاه بود. وی قهوه‌چی‌باشی اندرون شاه نیز بود که بعدها در زمره همسران صیغه‌ای شاه درآمده بود. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۹۲: ۱۸) و (بامداد، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۵۶۶)

آغا‌باشی^۱، حاجی سرور^۲، سید اسمعیل^۳، آقا محراب^۴، آقا فتح‌الله^۵، کلب خیک محمد، حاجی بشیر^۶، بشارت^۷، آقا داوود^۸، آقا سلیمان گره^۹، آقا فرج کوچک^{۱۰}، بیری خان، فقیری، پلنگی کوچک، سفید برّاق کوچک، چهار گربه هستند.

خلاصه سوار شده رانندیم رسیدیم به کالسکه‌های حرم، سوار شده از دم کالسکه حرم گذشته رفتیم توی باغ. یحیی خان را دیدم گفت: پیش آمده، نماز می‌کردم. باشی، عکاس، وجیه^{۱۱} بودند.

۱. حاجی آغا جوهر معتمدالحرم آغا‌باشی خواجه‌باشی دربار ناصرالدین‌شاه بود. در سنه ۱۲۹۵ ه. ق. ملقب به معتمدالحرم و در سنه ۱۳۰۵ ه. ق. در سن هشتاد و هفت سالگی در تهران درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی دفن شد. پس از مرگش دارایی او که شصت هزار تومان جنس و نقد بود به شاه رسید و شاه دهات او را به عزیزالسلطان بخشید. (همان قبلی، ج ۶، صص ۷۲، ۱۰۸، ۱۰۹)

۲. حاجی سرور اعتمادالحرم، خواجه‌ی سیاه و قد بلند مخصوص ناصرالدین‌شاه قاجار بود، وی ابتدا خواجه‌ی دوستملی خان نظام‌الدوله معیرالممالک بود، معیرالممالک او را به ناصرالدین‌شاه تقدیم کرد و از خواجه‌های اندرون شاه شد و چون خواجه با عرضه و با کفایتی بود به تدریج ترقی نمود. (همان قبلی، ج ۵، ص ۱۰۸)

۳. سید اسمعیل، خواجه سرای خاص ناصرالدین‌شاه قاجار و هشتاد زن از زنان ناصرالدین‌شاه قاجار در عمارت اندرونی کاخ گلستان بود. (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۲: ۱)

۴. آغا محراب، خواجه سیاه فاطمه خانم انیس‌الدوله همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (قاضیها، ۱۳۹۰: ۹۰)

۵. آقا فتح‌الله خواجه سرای خاص ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (همان منبع قبلی، ص ۲۴)

۶. حاجی بشیر خواجه سرای خاص ناصرالدین‌شاه و فاطمه خانم انیس‌الدوله همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۲: ۱۴۰)

۷. آغا بشارت، خواجه سرای خاص ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۹۰: ۱۰۵)

۸. آقا داوود خواجه فاطمه خانم انیس‌الدوله همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۸: ۵۱۶)

۹. آغا سلیمان آغا جوئی، خواجه‌باشی ناصرالدین‌شاه قاجار و مسئول قهوه‌خانه شاه بود. ناصرالدین‌شاه آغا سلیمان را آغا سلیمان گره خطاب می‌کرد. (قاضیها، ۱۳۹۰: ۱۸۹)

۱۰. آغا فرج کوچک، خواجه سیاه زبیده خانم امین‌اقدس گروسی همسر صیغه‌ای و سوگلی ناصرالدین‌شاه قاجار بود. (ناصرالدین‌شاه، ۱۳۷۲: ۵۱)

۱۱. وجیه‌الله میرزا امیرخان سردار که با نام آقا وجیه شناخته می‌شد، پیشخدمت ناصرالدین‌شاه قاجار بود. او پسر احمد میرزا عضدالدوله و برادر شمس‌الدوله همسر صیغه‌ای ناصرالدین‌شاه قاجار بود. او ملقب به سیف‌الملک و سپس سپهسالار اعظم بود. در سنه ۱۳۱۳ ه. ق. حکومت‌های شاه‌رود، بسطام، سمنان، دامغان

رفتم سردر باغ وحش قدری عصرانه، چای خورده، قدری فرانسه خواندیم. رفتم باغ وحش و غیره گردش کرده غروب رفتیم بالا. دیوانخانه را قورق کرده زن‌ها آمده گردش کردیم.

nouch afarin.zehra [زهرا]، [نوش آفرین] با üchi [یوشی] برای کالسکه نزاع کرده بودند، دو نفر که علامت گذاشته شد، همان غروب دادم حاجی سرور برد نگارستان، سایر حرم هم نگارستان مانده‌اند. امروز دو ساعت و نیم به غروب مانده زلزله آمده است. اما من در گردش باغ و غیره گویا بودم، چیزی نفهمیدم. اما در شهر همه فهمیده بودند. قزوین، قم هم تلگراف کرده بودند که زلزله همان وقت شد.

روز شنبه ۲ شوال^۲ [سنه ۱۲۹۳]

دیر سوار شدم، زیربیدهای بالای «قلعه رزک» نهار خوردیم. یک قوش «قرل تولکی» بسیار خوب، رمضان پسر آقا دانی در لاله زار گرفته بود به آقا وجیه سپرده‌ام. او هم دست حاجی علی نقی پسر حاجی عبدالکریم داده است. انداختم ندید. یکی را هم بند زد در نیامد. بلاخره آقا وجیه عصری انداخته بود، کبک گرفته بود. خلاصه امین حضور^۳ و غیره بودند.

و استرآباد به او تعلق گرفت و تا سنه ۱۳۱۵ ه. ق. در این سمت باقی ماند. پس از آن وزیر جنگ و رئیس کل قشون شد و ارتقاء رتبه یافت. (بامداد، ۱۳۶۳ ج ۵، ص ۵۵)

۱. مراد همان دو زن اولی است که ناصرالدین شاه بالای اسم‌شان علامت گذاشته بود.

۲. سال ۱۲۹۳ ه. ق.

۳. میرزا علی آشتیانی، ملقب به امین حضور پیشخدمت خاصه ناصرالدین شاه بود و در سنه ۱۲۸۴ ه. ق. ملقب به امین حضور گردید و در سنه ۱۲۸۶ ه. ق. امور احتساب تهران به او واگذار شد و در سنه ۱۲۸۸ ه. ق. خازن صرف جیب شاه و اداره باغات سلطنتی بر عهده وی بود. در این سال (۱۲۹۹ ه. ق.) امین حضور داروغه دفترخانه و وزیر بقایا بود. سه راه امین حضور به نام اوست. (بامداد، ۱۳۶۳ ج ۲، صص ۲۳۱ الی ۲۳۲)